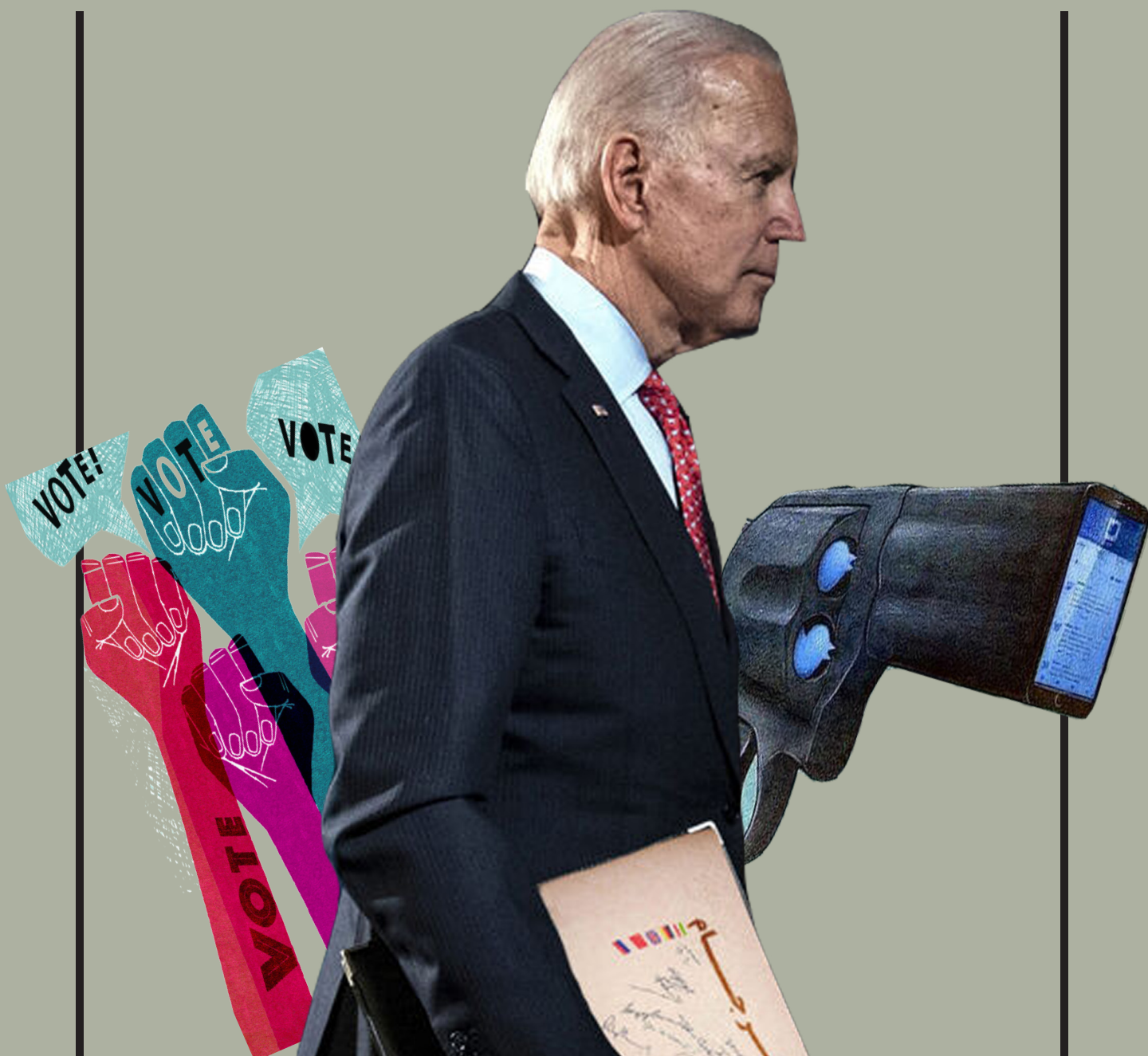




نشریه قدم-شماره-۱۸۷-زمستان ۹۹

# سرانجام برجام در عصر بایدن

بحران مشروعیت، بحران تغییر  
چه باشد آنچه خوانندش رسانه



نشریه قدم

تربیون انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

شماره صد و هشتاد و هفتم | سال نهم | زمستان 1399

مدیرمسئول: امیرحسین ناصحی

سر دبیر: کیمیا محمدزاده

ویراستار: سارا خواجه نصیری

هیئت تحریریه:

نسترن محمدحسینی

دینا قالیباف

ریحانه فراهانی

فاطمه سعادت

یلدا آهنگری

علیرضا مقتدایی

محمدامین ترابی

لازم به ذکر است با عنایت به درج مطالب تحقیقی-پژوهشی، حقوق کلیه مطالب مندرجه برای نشریه قدم محفوظ می باشد. همچنین یادآور می شود که نظرات و عقاید مندرج در این نشریه لزوماً مبین رای و نظر مسئولان نشریه نمی باشد

برای همکاری با نشریه قدم و یا ارائه پیشنهادات و انتقادات، با آیدی زیر در پیامرسان تلگرام در ارتباط باشید

@ghadam\_ut

## سخن سردبیر

در این قدم با موضوعات و مسائل روز اسفند ماه در خدمتتان هستیم. در بخش عدلیه بحث مشروعیت و انتخابات را پیگیری کردیم. در بخش امور داخله با توجه به گسترش کرونای انگلیسی یادداشتی در خصوص نحوه مدیریت آن نوشته شد. در ادامه به دلیل نزدیکی به تعطیلات نوروزی، گزارشی از سیاست‌های گردشگری به عمل آمد. بخش فرنگ‌نامه را با تحلیلی از رویکرد بایدن به مسئله‌ی هسته‌ای ایران آغاز کردیم؛ در ادامه طی یادداشتی به بررسی اعتراضات مسلمانان به سیاست‌های اسلام‌ستیز مکرون پرداخته شد. در بخش نقدنامه نیز در یادداشتی تحت عنوان «چه باشد آنچه خوانندش رسانه» به بحث سواد رسانه و رویکرد انتقادی به آن توجه شده است.

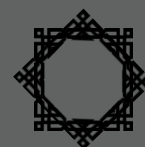
این بار قدم خود را با این جمله از امیرالمومنین حضرت علی بن ابیطالب (ع) آغاز می‌کنیم. به امید آنکه اندکی به مصادیق این حدیث نزدیک شویم.

”هرکس در حال طلب دانش مرگش فرا رسد، میان او و پیامبران تنها یک درجه تفاوت باشد.“

عدليه



## بحران مشروعیت، بحران تغییر



نسترن محمدحسینی، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

می‌آورد. سویه‌های تاریکی که شهروندان جامعه نیز متوجه آن‌ها می‌شوند و در مقابل‌شان، به کنش‌گری می‌پردازند. بررسی این سویه‌های تاریک، در بحث آسیب‌شناسی انتخاباتی، یکی از راه‌های کمک‌کننده می‌باشد.

اما این سویه‌های تاریک فرایند انتخابات، چه ارتباطی با مشروعیت نظام سیاسی دارد؟ عده‌ای مشارکت شهروندان را مبنای مشروعیت و مطلوبیت سازوکار انتخاباتی قلمداد می‌کنند. چطور مشارکت مردم در انتخابات را می‌توان منشا مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت سازوکار انتخاباتی دانست؟

اساساً در فرمان‌روایی مشروع، عنصر «رضایت»، در کنار اصول قانونی، پایه و اساس قرار می‌گیرد. و بر هم بیان کرده که مشروعیت، بر باور مبتنی بوده و از مردم، اطاعت می‌طلبد. در این تعریف، مشروعیت با نوعی باور اخلاقی نیز همراه است، از این منظر که مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین دارند که عملکرد نظام سیاسی از روی درستکاری و شایستگی

قدرت سیاسی، از راه‌های مسالمت‌آمیز و قاعده‌مند کردن منازعات سیاسی، موجب طراحی شیوه‌های «انتخابات» شد و کسب قدرت، حفظ و یا انتقال قدرت، از طریق انتخابات، تبدیل به شیوه مشروع و مطلوب، از بعد از انقلاب‌های دموکراتیک شد. در واقع، اصل و مبنای به وجود آمدن فرایند انتخابات، «چیزی جز ایجاد قالبی برای قاعده‌مند کردن منازعه سیاسی، خشونت‌زدایی و قابل‌پیش‌بینی کردن آن» نبوده است. البته علاوه بر این‌ها، سازوکارهای انتخاباتی و دموکراسی مزیت‌های دیگری را نیز برای جوامع مختلف به ارمغان آورده و موجب شده این شیوه، شیوه‌ای کم‌هزینه و مطلوب، در نظام‌های سیاسی شمرده شود، از جمله؛ پویایی سیاسی، گردش‌نخبگان، زمینه برای طرح تقاضای اجتماعی، افزایش و تقویت تعلق ملی و شهروندی...

اما با این همه، فرایند انتخابات، سویه‌های تاریک نیز دارد. سویه‌های تاریکی که امکان ضربه به مشروعیت نظام سیاسی و ایجاد بحران را برای نظام سیاسی پدید

انتخابات، اگر از منظری، ضامن ایجاد مشروعیت برای نظام سیاسی است، از منظری دیگر می‌تواند باعث افول مشروعیت نظام سیاسی شود. در واقع نظام سیاسی، بر روی طناب نازکی از اعتماد، در حرکت است. با از میان رفتن اعتمادی که میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان وجود دارد، زنگ خطر مشروعیت نظام سیاسی به صدا درمی‌آید و این زنگ خطر، به مثابه آغاز بحران است. بحران مشروعیت.<sup>1</sup>

\*\*\*

قدرت، مفهوم اساسی سیاست است و همه کشاکش‌ها در زندگی سیاسی، به قدرت منتهی می‌شود. به همین جهت، مسالمت‌آمیز کردن فرایند قدرت‌یابی، همواره یکی از دغدغه‌های جوامع بوده است. دغدغه دست به دست شدن

1 در نگارش این یادداشت، به طور ویژه از مقاله «کارکردها و کژکارکردهای انتخابات در ایران، به سوی زنجیره سیاست انتخاباتی»، استاد حجت کاظمی، استفاده شده است.





دادن آن‌ها، به نقد آن‌ها می‌پردازند و از سوی دیگر، با شناسایی مشکلات و طرح وعده از سوی‌شان، برای حل مشکلات، ارائه خدمات جدید و برنامه‌های دارای ماهیت توزیعی، به طرح شعار می‌پردازند.» هر چند در ایران هنوز هویت فرهنگ مدیریتی شکل نگرفته و بر اساس سازوکار سنتی، مدیران، بدون پیوستن به یک سیاست کلی، با به کارگیری سلیقه‌های شخصی خود، در سطوح ارشد، مشغول به فعالیت هستند، اما باز هم در چنین شرایطی، عملکرد کارگزاران نظام سیاسی، به پای نظام سیاسی، نوشته می‌شود.

هم‌چنین، طرح شعارهای انتخاباتی که همراه با «سیاست رسوایی» انجام می‌شود، سطح انتظار عمومی را افزایش می‌دهد. در واقع انتظارات عمومی از حاکمیت، در سطح شعارها، افزایش پیدا می‌کند. حال نظام سیاسی که با سطح فزاینده‌ای از شعارهای توزیعی روبه‌رو شده‌است، توان افزایش قابلیت حکمرانی و منابع مالی خود را ندارد. این شرایط، موجب ضعف کارایی نظام سیاسی می‌شود، زمینه را برای افزایش بی‌اعتمادی و نارضایتی از نظام سیاسی افزایش می‌دهد، و در نهایت مشروعیت نظام سیاسی را در معرض خطر قرار می‌دهد.

بحران مشارکت، از این منظر قابل بررسی است. بحران مشارکت، بیانگر وجود شکاف میان مردم و حاکمیت است. شکافی که موجب شده، اعتمادی که میان مردم و حاکمیت به صورت دیالکتیک در جریان بود، کم‌کم از میان برود. این رابطه دیالکتیک بر این اساس است که؛ مردم بر پایه بی‌اعتمادی، از مشارکت در فرایند انتخابات، سرباز می‌زنند، این عدم مشارکت موجب از میان رفتن چرخش قدرت و جرخش نخبگان در نظام سیاسی شده و نظام سیاسی را به ایستایی می‌رساند.

اما چرا این اعتماد از بین می‌رود؟ در ادامه، خیلی کوتاه به یکی از علل کم شدن اعتماد نسبت به نظام سیاسی می‌پردازیم؛ علتی که از دل همین فرایند انتخابات خارج شده و از آن می‌توان به عنوان یکی از نتایج مخرب و یکی از سویه‌های تاریک انتخابات، در ایران نام برد.

در پس انتخابات، منازعه سیاسی برای دستیابی به قدرت وجود دارد. در مقاله کارکردها و کژکارکردهای انتخابات در ایران، به سوی تکمیل زنجیره سیاست انتخاباتی، استاد حجت کاظمی می‌نویسد: «کاندیداهای انتخاباتی، از یک سو با بی‌اعتبارسازی اقدامات کارگزاران گذشته، ناکارآمد و فاسد و ناشایست نشان

بوده‌است. حال «اگر ما منشأ حاکمیت را مردم قلمداد کنیم؛ یعنی منشأ حاکمیت را اراده و رضایت مردمی بدانیم که در یک سرزمین جمع شده‌اند و می‌خواهند یک زندگی مشترک را در چارچوب خاصی داشته باشند، این اراده و رضایت مردم، هم منشأ مشروعیت و هم شکل و محتوای مشروعیت را تعریف می‌کند(مولایی یوسف، بازتاب اندیشه ۱۳۷۹ شماره ۴) مشروعیت، در اینجا به معنای مقبولیت است. مقبولیتی که بر اساس آن مردم، نظام سیاسی‌ای را که بر آن‌ها قدرت اعمال می‌کند، به طور طبیعی و بدون تردید می‌پذیرند. در واقع، مشروعیت هر نظام سیاسی از باور عمومی به «حقانیت» نظام سیاسی، «کارآمدی» و نیز شایستگی و سلامت کارگزاران آن حاصل می‌شود.

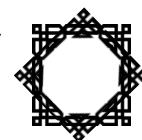
بر همین اساس انتخابات، اگر از منظری، ضامن ایجاد مشروعیت برای نظام سیاسی است، از منظری دیگر می‌تواند باعث افول مشروعیت نظام سیاسی شود. در واقع نظام سیاسی، بر روی طناب نازکی از اعتماد، در حرکت است. با از میان رفتن اعتمادی که میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان وجود دارد، زنگ خطر مشروعیت نظام سیاسی به صدا درمی‌آید و این زنگ خطر، به مثابه آغاز بحران است. بحران مشروعیت.







## کرونای انگلیسی



دینا قالیباف، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مراقبتی در برابر این ویروس تغییری نکرده است و همچنان مانند سابق شهروندان باید ملزومات بهداشتی را رعایت کنند. اما سوالی که مطرح است این است که با وجود سرایت پذیری بیشتر نوع جهش یافته، آیا شیوه مدیریتی قبلی پاسخگوی موج جدید ویروس جهش یافته در کشور خواهد بود؟ برای پاسخ به این سوال به نظر می‌رسد بهتر است گریزی داشته باشیم به شیوه مدیریتی که کشور انگلستان، مرکز شیوع نوع جهش یافته، برای کنترل شرایط در پیش گرفته است.

و آغاز واکسیناسیون گسترده در برخی از کشورها، مردم جهان برای رهایی از سایه شوم این ویروس امید پیدا کرده بودند، گونه جدیدی از ویروس کرونا که به نام کرونای انگلیسی معروف شده است در حال شیوع گسترده در نقاط مختلف جهان است و ناامیدی دوباره در میان مردم جهان در حال شکل‌گیری است، زیرا اطلاعات دقیقی در رابطه با تأثیرگذاری واکسن‌های فعلی روی نوع جهش یافته وجود ندارد. در ایران اما به نقل از خبرگزاری مهر، اولین مورد ابتلا به این ویروس جهش یافته در تاریخ ۱۶ دی ماه شناسایی شد. به گفته‌ی مسئولان کشوری، پروتکل‌های

کرونای انگلیسی، زنگ خطری برای شیوه مدیریتی در کشور یکی از گونه‌های جهش یافته ویروس کرونا نوع انگلیسی است که با سرعت بالایی در سراسر جهان در حال گسترش است. سوالی که در این میان مطرح است و در ادامه مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد این است که آیا لزوماً شیوه مدیریتی انگلستان، مرکز شیوع نوع جهش یافته، برای سایر کشورهای درگیر نیز کارآمد است؟

درست زمانی که با ساخت واکسن کرونا

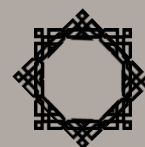


به نقل از خبرگزاری ایسنا، انگلستان اولین کشوری بود که اجازه استفاده از واکسن شرکت فایزر- بیوان تک را صادر و واکسیناسیون گسترده را آغاز کرد. با وجود اینکه واکسیناسیون در این کشور از هشتم دسامبر ۲۰۲۰ آغاز شد و تاکنون نزدیک به ۲ میلیون نفر در این کشور واکسینه شده‌اند اما شیوه مدیریتی و پروتکل‌های بهداشتی در این کشور همچنان بصورت سختگیرانه‌ای اجرا می‌شود و شهروندان به جز دلایل مشخص اجازه خروج از خانه را ندارند. این در حالی است که در ایران نگاه‌ها نسبت به قوانین مدیریتی در مقابله با کرونا متفاوت است و به نظر می‌رسد که افراد در این رابطه به دو دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای معتقد هستند که قوانین اجرا شده در ستاد ملی مبارزه با کرونا از قبیل منع آمد و شد در ساعت ۹ تا ۳ صبح و تعطیلی کسب و کارها به پایین آمدن آمار روزانه کرونا در کشور کمک کرده است و تعداد فوتی‌ها و مبتلایانی که روزانه منتشر می‌شوند، منعکس کننده بهتر شدن شرایط و نتیجه سیاست‌های درستی است که اتخاذ شده است. دسته دوم اما بر این باور هستند که تصویب مقررات جدید برای کنترل شرایط به مرحله اجرای عملی نرسیده است و این قوانین صرفاً اسما تصویب شده‌اند و در واقع نظارت کافی بر اجرای درست این قوانین وجود ندارد. استدلال این دسته از افراد غالباً در ذیل تمثیل و مشاهده شخصی‌شان در سطح خیابان‌های شهر است. اگر بخواهیم نگاهی منتقدانه و فارغ از موضع‌گیری افراطی نسبت به شیوه مدیریتی در مقابله با کرونا در کشور داشته باشیم، به نظر می‌رسد بهتر است با نگاهی انتقادی و در عین حال میانه شرایط را تحلیل کنیم. با تکیه بر این دید می‌توان گفت که قوانین تصویب شده در کشور برای مقابله با کرونا نه بصورت مطلق نتایج خوبی داشته‌اند و نه مطلقاً نتایج غیر قابل قبول. به نظر می‌رسد قوانینی که تصویب شده‌اند در بستر شرایط کشور به ویژه به لحاظ اقتصادی اتخاذ شده‌اند و در واقع شیوه مدیریتی هر کشور بنابر شدت و ضعف بحران و شرایط حاکم بر کشور متفاوت است و نمی‌توان لزوماً الگویی واحد برای مقابله با شرایط صادر کرد. برای مثال حتی پیش‌بینی کشورها از زمان دسترسی کامل مردم‌شان به واکسن کرونا نیز یکی از پارامترهایی است که تحت تأثیر قدرت اقتصادی، شرایط موجود را می‌سازد و از طرف دیگر در تصویب قوانین در مقابله با شیوع ویروس کرونا نیز تأثیر گذار است.





## موج چهارم کرونا



### سیاست‌های گردشگری تعطیلات نوروزی

ریحانه فراهانی، کارشناسی مدیریت گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ

ابلاغ شده‌است.

طی برنامه‌ریزی و تدوین سر فصل‌هایی توسط دفتر آموزش و مطالعات گردشگری، دوره‌ی آموزش پروتکل‌های بهداشتی در نظر گرفته شده‌است. این برنامه برای تمام دفاتر خدمات مسافرتی، هتل‌ها، مهمان‌پذیرها، بوم‌گردی‌ها و نیز راهنمایان اجرا می‌شود.

#### تغییر متغیرها؛ حل معادلات جدید در وزارت خانه

اما نکته‌ای که نگرانی فعالان این حوزه را چند برابر کرده‌است؛ رفتارهای ناگهانی این ویروس بوده‌است. شرایط کرونایی در کشور هر لحظه دچار نوسان است. این تغییرات در هر لحظه معادلات جدیدی را برای وزارت

کرده‌است. پیش از این بخش گردشگری در گروه دوم و سوم قرار داشت؛ اما اکنون با پیگیری‌ها و تلاش‌های صورت گرفته در راستای حمایت از فعالان گردشگری، این حوزه در گروه اول و در کنار مراکز دارای فعالیت ضروری قرار گرفته‌است.

بنابراین مراکز اقامتی و تاسیسات گردشگری دارای مجوز در نوروز ۱۴۰۰ باز خواهند بود و مجاز به ارائه خدمات در این ایام هستند.

یکی از اهداف مدیریت سفر در نوروز ۱۴۰۰، ممانعت از شکل‌گیری سفرهای انبوه و بی‌برنامه است. به گفته‌ی معاون میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، پروتکل‌های بهداشتی به مراکز گردشگری سراسر کشور

طبق آخرین تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در ستاد ملی کرونا، محدودیت‌های تردد بین شهرها در ایام تعطیلات نوروز تصویب شده‌است. به گفته‌ی ولی تیموری، معاون گردشگری، به دلیل ناپایدار بودن شرایط کشور به واسطه‌ی ویروس کرونا، سفرهای نوروزی با محدودیت مواجه است. وزارت گردشگری با تبیین برنامه نوروزی و با ارائه راهکار برای سفرهای ایمن، اعضای ستاد را برای انجام سفر در این ایام متقاعد کرده‌است. این تمهیدات و برنامه‌ها در قالب تورهای مسافرتی و نیز رزرو مراکز اقامتی دارای مجوز از سوی وزارت‌خانه انجام می‌گیرد. ستاد ملی کرونا، مراکز گردشگری را در میان گروه اول مشاغل طبقه‌بندی

میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به وجود می‌آورد.

حرف‌های اخیر سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا، علیرضا رئیسی، بوی تغییر وضعیت این ویروس منحوس را می‌دهد. به گفته‌ی او: «اگر در هتل بتوانیم، افراد را تحت نظارت و رعایت پروتکل‌ها اسکان دهیم، بسیار ایمن‌تر است.» رئیسی تاکید کرده‌است که رفع محدودیت‌ها و برقراری سفر در تعطیلات نوروز، مشروط بر این است که تا پایان سال به وضعیت نسبتاً مناسبی برسیم.

معاون گردشگری، در این میان شروطی برای سفرهای نوروزی ۱۴۰۰ بیان کرده است:

۱- **رزرو قطعی اقامتگاه و محل اسکان:** دغدغهی فعالان حوزه‌ی گردشگری مربوط به سفرهایی است که مستقل انجام خواهد شد. برقراری این نوع سفرها به ارائه رزرو و محل اقامتگاه مشروط شده‌است. اطلاعات تمام مراکز اقامتی مجاز در سامانه جانا موجود است. مردم می‌توانند از این طریق محل اقامت مناسب خود را پیش از سفر انتخاب و سپس رزرو کنند. از این طریق وضعیت ایمنی اقامتگاه‌ها نظارت می‌شود.

۲- **اسکان در کمپ‌ها و مدارس ممنوع:** براساس مصوبه ستاد مبارزه با کرونا، فعالیت مدارس و کمپ‌های ورودی شهرها در نوروز ۱۴۰۰ ممنوع خواهد بود و امکان پذیرش مسافر در این مراکز به هیچ وجه وجود ندارد. از هرگونه تجمع آفرینی و استقرار چادرهای مسافرتی در محل‌های عمومی جلوگیری خواهد شد.

۳- **داشتن تست کرونا برای سفر نوروزی الزامی است؟** ولی تیموری، معاون گردشگری، در پاسخ گفته‌است: «گواهی منفی تست RCR در سفرهای داخلی شرط نیست اما برای سفرهای خارجی بنابر پروتکل‌های توافق شده بین کشورها، ضروری و الزامی است.

**سفرهای نوروزی؛ به مثابه سناریوی نمایشی برای تمام ارگان‌ها**

به گفته‌ی پلیس راهور ناجا، سردار هادیانفر، سناریو نخست این است که شدت بیماری کرونا بحرانی شود. تحلیل‌های وزارت بهداشت این است که اگر با روند کاهش اجرای دستورالعمل‌ها پیش برویم، با موج چهارم مواجه می‌شویم و محدودیت‌ها هم به تبع بیشتر می‌شود. پیشنهاد کردیم؛ محدودیت‌ها برای شهرهای هدف و مسافرپذیر مانند گیلان، مازندران یا مراکز استان‌هایی مثل اصفهان و جنوب کشور یا مناطق زیارتی بیشتر شود.

سناریو دوم به زعم پلیس راهور ناجا، در صورت کاهش بیماری و فراگیری واکسن قابل اجرا است.

همه‌ی این گزینه‌ها و احتمالات در حالی روی میز ستاد کرونا است که وزارت بهداشت چند روزی است، زنگ خطر موج چهارم کرونا را به صدا درآورده است.

برقراری سفرهای نوروزی مشروط بر این است که روزهای پیش رو وضعیت ویروس کرونا بحرانی نشود. حکایت تصمیم‌گیری‌ها بر پایه تغییرات ناگهانی ویروس همچنان باقی‌است...

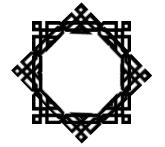








## سراپام برام در عصر بایدن



فاطمه سعادت، کارشناسی علوم سیاسی  
دانشگاه شهید بهشتی

روزهای اخیر یکی از روزهای مهم برای توافقنامه برجام محسوب میشود زیرا از طرفی ایران راهبرد جدیدی را برای برنامه هسته‌ای خود در پیش گرفته است که منجر به کاهش تعهدات برجامی می‌شود و از طرفی دیگر دولت بایدن روی کار آمده است. وی قبل از پیروزی در انتخابات، قول بازگشت به معاهدات بین‌المللی را داده بود که یکی از این معاهدات برجام است. با بازگشت آمریکا و انجام اعمالی تاثیرگذار از جانب طرفین برجام ممکن است این توافقنامه مسیر متفاوتی راطی کند.

با توجه به اینکه زمان زیادی از استقرار دولت بایدن نمی‌گذرد، نمی‌توان تحلیل دقیقی از رویکرد این دولت ارائه داد، اما صحبت‌هایی از طریق مقامات این دولت در ارتباط با برجام ایراد شده است که در این متن سعی می‌شود با توجه به این سخنان نگاه دولت بایدن به برجام و مسئله هسته‌ای ایران را تا حدی شرح دهیم. به طور کلی دولت جدید آمریکا، سه اقدام را در قبال برجام در پیش گرفت:

- (۱) ابتدا مقامات آمریکایی به این موضوع اشاره می‌کردند که در برجام طرف ایرانی باید پیش قدم شود و به تعهدات خود بازگردد. این اظهارات با انتقاد مقامات ایرانی به خصوص رهبر ایران مواجه شد زیرا مقامات ایرانی معتقد بودند که ابتدا آمریکا برجام را ترک کرده است.
- (۲) اقدام بعدی که دولت بایدن مدنظر داشت، مذاکره همراه با پیش شرط با ایران و کشورهای ۱+۵ بود، به عبارتی فراتر رفتن از توافقنامه برجام. این راهبرد نیز مورد قبول طرف ایرانی قرار نگرفت زیرا مقامات ایرانی باور داشتند که حسن نیت آمریکا با خروجش از برجام مورد تردید قرار گرفته است، همچنین این خروج خساراتی را به ایران تحمیل کرده است و ایران به هیچ وجه آماده مذاکره همراه با پیش شرط و امتیاز دادن نیست.

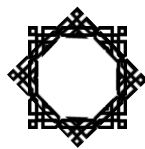


(۳) در نهایت میتوان به اقدام اخیر دولت بایدن اشاره کرد که واشنگتن آمادگی خود برای مذاکره با ایران را در چهارچوب غیررسمی ۱+۵ اعلام کرده است. این اقدام تاحدی معقولتر از سایر اقدامات است. مقامات ایرانی بارها اشاره کرده‌اند که مذاکرات انجام شده است و حال زمان عمل است با این وجود به صراحت این پیشنهاد رد نشده است و عراقچی، معاون وزیر خارجه، در برنامه "نگاه یک" اظهار داشت که این پیشنهاد در حال بررسی است.

به نظر میرسد که دولت بایدن برای بازگشت به برجام با موانعی نیز روبه‌رو باشد به طور مثال: وجود تعداد قابل توجهی از مخالفان برجام در کنگره، وجود لابی عربستان سعودی و اسرائیل، درگیری دولت بایدن با بحران کرونا و... اما به طور کلی میتوان گفت که دولت بایدن خواهان بازگشت به برجام است. به علاوه اینکه ایران در برنامه جدید هسته‌ای خود بسیار مصمم ظاهر گشته است که میتوان به تمایل به غنی سازی ۶۰ درصد و لغو پروتکل الحاقی اشاره کرد. همچنین نکته مهم دیگری که وجود دارد آن است که بایدن نمیخواهد خود را در سیاست خارجه ضعیف نشان دهد، به همین دلیل عمل‌گرایی و رفع تحریمها در کوتاه مدت از دولت بایدن انتظار نمی‌رود اما بازگشت به برجام، بدون عمل تاثیرگذار محتمل به نظر میرسد، البته چنین بازگشتی برای طرف ایرانی اعتباری ندارد.



# علیه اسلام ستیزی



یلدا آهنگری، کارشناسی علوم سیاسی

دانشگاه تهران



در سال ۱۹۸۹ با تعلیق سه دختر محجبه از مدرسه‌ای سریل، مباحث درباره حجاب در مدارس فرانسه آغاز شد.

در ژانویه ۱۹۹۰، سه دختر در مدرسه راهنمایی اوئیز پاستور در نویون، شهری در پیکاردی، تعلیق شدند. پدر یکی از دخترها که پیشتر نیز از مدرسه گابریل هاوز تعلیق شده بود، علیه مدیریت مدرسه شکایت کرد. پس از این رویدادها، معلمان یک مدرسه راهنمایی در نانتوا در اعتراض به حجاب اسلامی در مدارس دست به اعتصاب زدند.

اما آیا واقعاً این اسلام ستیزی در فرانسه به خاطر مشکل با مسلمانان و دین اسلام است؟! اگر اشاعه فرهنگی دیگر یا نظام حکومتی و حزب دیگری می‌خواست غالب شود این گونه محدودیت‌ها سر راهش نبود؟

جهان غرب که فرانسه هم عضو کوچکی از آن است در دوران‌های مختلف تاریخی به نظریه‌پردازان اهمیت بسیاری داده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از جنگ‌های شکل گرفته یا انواع نظام‌های اقتصادی به وجود آمده تحت تاثیر دیدگاه و نگرش نظریه‌پردازان بوده است.

«ساموئل هانتینگتون»، از صاحب نظران مشهور جهان غرب، در یکی از نظریه‌های معروفش به نام

از سال ۱۹۰۵ تاکنون، فرانسه قانونی دارد که جدایی کلیسا از دولت را جاری ساخته و دولت را از به رسمیت شناختن و یا تأمین مالی هر دینی برحذر می‌دارد. مدارسی که به صورت مستقیم توسط دولت ملی یا محلی اداره می‌شوند نباید هیچ‌گونه اندیشه دینی (شامل هر یک از ادیان موجود یا آتئیسم یا هر نوع فلسفه دیگری) را پذیرفته و یا ترویج دهند.

مدارسی که تماماً یا تا قسمتی توسط دولت ملی یا محلی تأمین مالی می‌شوند اجازه ندارند دانش‌آموزان را مجبور به آموزش مذهبی کنند. مدارس باید موضعی کاملاً برابر در برابر کودکانی که به هر یا هیچ دینی اعتقاد دارند یا ندارند، داشته باشند.

جنگال بر سر پوشش اسلامی (حجاب) در ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۹ آغاز شد زمانی که سه دختر دانش‌آموز به خاطر اجتناب از کشف حجاب در کلاس مدرسه راهنمایی گابریل هاوز در سریل تعلیق شدند. در نوامبر ۱۹۸۹، شورای دولت اعلام کرد که نماد شبه مذهبی پوشش اسلامی با قوانین لائیک مدارس دولتی تناقضی ندارد. در دسامبر همان سال، لیونل جوزفین، وزیر آموزش و پرورش، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که نهادهای آموزشی خود مسئول پذیرش یا رد پوشش اسلامی در کلاس‌ها هستند.

امروزه نه تنها در فرانسه بلکه در تمام اروپا و کشورهای غربی با پدیده‌ای به نام اسلام‌ستیزی مواجه هستیم، که پدیده جدیدی هم نیست. این پدیده طی سال‌های طولانی توجه مسلمانان جهان و انجمن‌های اسلامی را به خودش جلب کرده است یکی از مشکلاتی که در کشوری همچون فرانسه در رابطه با اسلام‌ستیزی مطرح هست به شرح ذیل است:

در حالی که بیش از ۱۰ درصد جمعیت فرانسه را مسلمانان تشکیل می‌دهند اما مقامات ملی و محلی این کشور هنوز هم پس از ۱۵ سال که از آغاز نبرد علیه حجاب گذشته، هر از چند گاهی قوانینی جنجالی علیه این نوع پوشش زنان صادر می‌کنند و آزادی مسلمانان با محدودیت‌های چه بسا سنگین روبه‌رو است؛ به طور مثال مستندهای زیادی را از قبیل نداشتن حق تحصیل برای زنان محجبه و مسلمان در کشور فرانسه مشاهده کرده‌ایم و این در شرایطی است که اگرچه دادگاه عالی این کشور این احکام را رد کرده اما سابقه سیاست مداران فرانسوی نشان داده که آنها با احکام دادگاه‌ها متوقف نمی‌شوند و آن گونه که گذشته نیز نشان داده روی به قانون‌گذاری برای محدودیت حجاب می‌آورند.



(( جنگ تمدن‌ها)) قصد دارد که عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیر غربی توجیه کند.

وی در این نظریه از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر با عنوان جنگ تمدن‌ها نام می‌برد. از نظر او در این مرحله رقابت‌ها و درگیری‌ها بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ شکل می‌گیرد نه بین دولت-ملت‌ها و در این میان فرهنگ اسلامی بزرگترین تهدید برای غرب است.

اگر بخواهیم از منظر دولت فرانسه به این ماجرا نگاه کنیم، نه تنها اسلام بلکه هر فرهنگ و دین دیگری که قابلیت برجسته شدن را داشته باشد و از اشاعه فرهنگی بالایی برخوردار باشد که بتواند نظام سلطه حاضر را براندازی کند و خودش حاکمیت را به دست بگیرد، قطعاً با آن مخالفت می‌شود؛ چه بسا اسلام باشد یا دین و فرهنگ دیگری.

هر حکومت و کشوری یک پدیده اجتماعی مخصوص را به عنوان تهدید خود قلمداد می‌کند

مسئله اسلام‌ستیزی در فرانسه موافقان و مخالفان زیادی چه در داخل کشور چه در مرزهای اطراف و خارج آن به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که افرادی با قصد دامن زدن به این مسئله که دین اسلام و پیروانش یک حزب سیاسی هستند، به تشدید این محدودیت‌ها علیه مسلمانان می‌پردازند.

از تلاش‌گروه‌های مخالف دین اسلام در فرانسه و در جهان غرب، تعریف اسلام به عنوان یک حزب سیاسی است.

اگر بخواهیم به دین اسلام از دید یک حزب سیاسی نگاه کنیم و آن را با تعریف حزب سیاسی در جهان غرب مطابقت دهیم به این نقطه می‌رسیم:

به گمان «جیل کریس»، حزب سیاسی، گروه سازمان یافته از شهروندانی است که دارای نظریات سیاسی مشترک هستند. و با عمل به مثابه یک واحد سیاسی می‌کوشند بر حکومت تسلط یابند. هدف اصلی یک حزب این است

که عقاید و سیاست‌های خود را در سطح سیاسی یا فرهنگی رواج دهد.

از نظر لیکاک، حزب سیاسی گروه کم و بیش سازمان یافته از شهروندانی است که به عنوان یک واحد سیاسی با هم عمل می‌کنند، در مسائل عمومی عقاید مشترکی دارند و با استفاده از اختیار دادن رای در راستای هدفی مشترک، می‌کوشند که بر حکومت تسلط یابند.

همان‌طور که در تعاریف نظریه پرداز جهان غرب مشاهده کردیم، حزب سیاسی به دنبال براندازی حکومت و تسلط یافتن بر آن است، و مخالفان دین اسلام در فرانسه با تعریف سیاسی‌ای که از آن ارائه می‌دهند باعث تشدید این محدودیت‌ها و تهدیدانگاری بیشتر اسلام در فرانسه می‌شوند.

اگر بخواهیم در عرصه بین الملل به این مسئله نگاه کنیم هر کشوری که احساس خطر کند در اثر بُلد شدن قدرت رقبا؛ به دنبال ایجاد نظام موازنه قدرت می‌باشد؛ چون در روابط بین الملل تمامی کشورها تابع اراده و قدرت خود هستند، هر میزان قدرت بیشتر باشد برش شمشیر آن‌ها بیشتر است.

امروزه محدودیت‌ها در فرانسه علیه مسلمانان در حال شدت گرفتن است به گونه‌ای که عکس‌العمل به این محدودیت‌ها به شکل

جنبش‌های شعاردهنده ظهور می‌کند.

در گذشته بانوان محجبه ساکن یا شهروند فرانسه به محرومیت از تحصیل تهدید می‌شدند که در مواردی اجرایی می‌شد، لیکن در زمان حال، این محدودیت‌ها تنها در حد تهدید باقی نمانده است؛ به طوری که بانوان محجبه از تحصیل در دانشگاه‌ها یا کار کردن در ارگان‌های اداری فرانسه محروم می‌باشند و حتی در مواردی حق شهروندی آن‌ها در صورت پایبندی به دین خود باطل می‌شود.

در هفته‌های اخیر تصمیم مقامات شهرهای کن، نیس و سپس چندین شهر دیگر در ممنوع اعلام کردن پوشش بورکینی (بورکینی عبارتی برگرفته از ترکیب بیکنی و برقه توسط یک طراح لباس استرالیایی و برای استفاده زنان مسلمان در سواحل طراحی گشت) در سواحل دریا، بار دیگر موضوع پوشش بانوان مسلمان در فرانسه را مطرح ساخت.

امروزه فرانسه در برابر اسلام‌گرایی





راست‌گراها دولت را متهم به مداخلات و چپ‌گراها متهم به اسلام‌هراسی می‌کنند. متاسفانه در هفته‌های اخیر کاریکاتورهایی از حضرت محمد (ص)، خاتم النبیین مسلمانان، با غرض توهین و تمسخر انتشار یافته و به گفته مکرون ادامه دار خواهد بود، که این مسئله با حجم زیادی از انتقادات و جنبش‌ها همچون خریدن کالاهای ساخت فرانسه مواجه شده است. باری خالی از لطف نیست که به این مسئله هم اشاره کنیم، مهم نیست که در کشور جهان اول باشید یا جهان سوم کمونیست باشید یا لیبرالیست مسلمان باشید یا مسیح عزیز باشید یا دلیل خواص باشید یا عوام همیشه اهانت، توهین و بی‌ادبی برای زبون‌ترین افراد بوده است. اهم این است که در هر جایگاهی که قرار داریم و به هر کاری که مشغول هستیم، بدانیم که باید به عقاید دیگران احترام بگذاریم، چه موافق باشیم، چه مخالف.

او غالباً از جواب به مسائلی مانند روسری و بورکینی (مایوهای اسلامی) و غذاهای حلال مدارس طفره می‌رفت. در ماه سپتامبر، پس از آنکه کریستین لائز، نماینده مجلس از حزب لیبرال جمهوری، در نزد آقای مکرون خواسته شد تا به شهادت یک زن مسلمان که روسری پوشیده بود، گوش کند، از مجلس خارج شد. او گفت: «من نمی‌توانم قبول کنم که در داخل مجمع ملی که قلب دموکراسی است، ما باید کسی را که با حجاب وارد می‌شود، قبول کنیم.» کارمندان دولت مانند معلمان و شهرداران ملزم هستند که هیچ‌گونه نشانه آشکاری از اعتقادات مذهبی‌شان نداشته باشند، ولی به موجب قانون برای عامه مردم چنین محدودیتی حتی در داخل ساختمان‌های دولتی وجود ندارد. اما این قانون باعث پایان دادن به مناقشه خشم‌آمیز در مورد این که آیا والدین محجبه می‌توانند فرزندشان را در جریان سفرهای مدرسه همراهی کنند؟ یا اینکه آیا در سواحل، زنان می‌توانند بورکینی بپوشند؟ نشده است. در این گونه‌ها بحث‌ها معمولاً

موضع شدیدتری گرفته است که به طبع آن هرچقدر این محدودیت‌ها بیشتر می‌شود با جنبش‌های بیشتری از مسلمانان فرانسه مواجه می‌شویم که به خیابان‌ها می‌آیند و شعار: «Hijab is our right» (حجاب حق ما است) را سر می‌دهند. از قول امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، به دفعات نقل شده است که هفته گذشته به شورای دفاعی خودش گفته است که: «ترس، تغییر جهت خواهد داد.» دولت فرانسه در طی ماه‌های اخیر دستور تفتیش بیش از ۱۲۰ منزل، انحلال انجمن‌هایی که متهم به اشاعه شعارهای اسلام‌گرایانه هستند، برنامه‌هایی برای هدف قرار دادن بودجه تروریستی، حمایت تازه از معلمان و تحت فشار تازه قرار دادن شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی را برای کنترل بیشتر محتویات رسانه‌های خود، داده است.

آقای مکرون به عنوان رئیس‌جمهور فرانسه همواره دقت زیادی کرده است تا بین تهدیدهای امنیتی و سکولاریسم تفاوت قائل شود. برای مدت طولانی



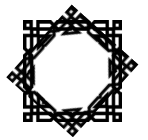
نقد نامه





## چه باشد آنچه خوانندش رسانه

علیرضا مقتدایی و محمدامین ترابی، کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران



بعدی، اشاره به قدرت اقتصادی دارد که هزینه‌ها و نیازهای مالی مربوط به تشکیل و همچنین گسترش رسانه را تامین می‌کند. یکی دیگر از رئوس مثلث رسانه، به مناسبات قدرت و سیاست ارتباط دارد. این مثلث در ذات، یک موجود بی حجم و روح است و آنچه که در این رسانه روح می‌دمد و آن را وادار به ورود به ابعاد واقعی می‌کند، قدرت محتوایی و اعمال نفوذ و تاثیرگذاری آن بر مخاطب است که غالباً بستگی به فنون و تکنیک‌های اقناعی دارد. هرچه یک رسانه بتواند ارتباط عمیق‌تری با مخاطبین خود برقرار کند، اعمال نفوذ بیشتر و راحت‌تری بر افکار عمومی و جهت‌دهی مردم خواهد داشت و هرچه در این فن مهم، ضعف داشته باشد، هرچند که از محتوای صحیح و غنی برخوردار باشد، به دلیل بازنمایی بد و ضعیف، نزد مردم به دید خوبی شناخته نخواهد

۱- اطلاعات مورد نیاز را از اطلاعات بیهوده و نامرتب تمیز دهیم.

۲- به غربالگری اطلاعات به دست رسیده پردازیم تا سره را از ناسره تشخیص دهیم.

هدف از افزایش مهارت تفکر نقاد خصوصاً در عرصه رسانه این است که تحت تاثیر پیام‌ها و جهت‌گیری‌های رسانه‌ای قرار نگیریم.

بی شک رسانه‌ها با قدرتی که امروزه دارند، از مقولات مهمی هستند که بررسی و تحلیل پیرامون آن‌ها در نسبت زیست اجتماعی و سیاسی انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. ماهیت تمامی رسانه‌های شناخته شده و مطرح در جهان، در تشبیه به رئوس یک مثلث قابل تشریح هستند. در راس اول که مهم‌ترین راس این مثلث است، می‌توان به قدرت فکری و ایدئولوژیک اشاره کرد که در راستای اهداف صاحبان رسانه به انتشار اطلاعات می‌پردازد. راس

همان‌گونه که در شماره پیشین این بخش از نشریه ذکر شد، امروزه ما در اقیانوسی از اطلاعات غرق شده‌ایم. در عصر انفجار اطلاعات، تخمین زده می‌شود که به طور متوسط در هر دقیقه، ۵۰۰ ساعت فیلم در یوتیوب منتشر می‌شود. در طول همین کمتر از یک دقیقه‌ای که به مطالعه همین چند خط گذشت، حدود ۴۰ میلیون پیام متنی در واتساپ ارسال شد، ۴۰۰ هزار استوری در اینستاگرام پخش شد و حدود ۳۰۰ هزار کاربر جدید به توییتر پیوستند. خلاصه آنکه در ۱ دقیقه‌ای که گذشت، انتشار و ارسال اطلاعات و محتوا در فضای مجازی به قدری زیاد است که اگر در صد ثبات تک تک این وقایع باشیم، شاید نیاز به چند میلیون صفحه کتاب داشته باشیم. بدیهی است که همین امر، ضرورت تمرکز و توجه به مقوله سواد رسانه‌ای را افزایش می‌دهد، چرا که نیاز داریم تا:



شد و اثرگذاری پایینی خواهد داشت.

گویی رسانه‌ها نیز مانند حکومت‌ها، نیاز به مقبولیت و مشروعیت دارند و آنچه که در مقوله «روح رسانه» مدنظر هست، همان مشروعیت مردمی است. بدین معنا که چه میزان از افراد، محتواها و اخبار و به طور کلی پیام‌های رسانه‌ای یک رسانه را قبول دارند و برایشان قابل باور است!

به نظر می‌رسد، آنچه اهمیت دارد، فقط رئیس مثلث رسانه نیستند که یک رسانه را شکل می‌دهند بلکه رسانه‌ها برای بقا و تداوم خود و همچنین پیشبرد اهداف صاحبان خود، نیاز دارند تا از بُعد سطحی خود وارد بُعد وجهی شوند تا برجسته شده سری در سرا داشته باشند. «صدا و سیما، نگاهی به تاریخ و قدرت»

در ۴ اردیبهشت سال ۱۳۱۹، رادیوی ملی ایران توسط ولیعهد وقت، محمدرضا پهلوی افتتاح شد. رادیو در آن زمان ۵ ساعت در روز برنامه داشت و برنامه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، فرهنگی و... پخش می‌کرد. تلویزیون ملی ایران نیز به طور رسمی در یکم فروردین سال ۱۳۴۶ آغاز به کار کرد تا از آن زمان، «سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران» شروع به کار کند. این سازمان، پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ به «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» تغییر نام داد. تا پیش از انقلاب، بیشتر برنامه‌های تلویزیون و رادیو وارداتی بودند و حتی برنامه‌های ساخت داخل نیز بیشتر اوقات به صورت کپی‌برداری از برنامه‌های خارجی تولید

می‌شدند. پس از انقلاب، فعالیت‌های این سازمان به شدت افزایش یافت به طوری که اکنون بیش از ۸۳ شبکه‌ی رادیویی و ۶۲ شبکه‌ی تلویزیونی (با احتساب شبکه‌های استانی) دارد. بررسی اقدامات این سازمان از آن جهت که متولی اصلی و رسمی رسانه‌ها در کشور است و به نوعی «رسانه‌ی ملی» است، باید بسیار مورد توجه باشد.

این رسانه، رسانه‌ای حاکمیتی با نام و پسوند «ملی» است. در تحلیل نقش رسانه‌ها در سواد رسانه‌ای، توجه به گستره‌ی مخاطبان رسانه‌ها و میزان اثرگذاری آن‌ها بر آراء و افکار عمومی جامعه بسیار مورد توجه است و از ارکان اصلی تحلیل‌های رسانه‌ای به شمار می‌آید. رسانه‌ی ملی تقریباً در همه جای کشور قابل دسترسی است و از این رو، مخاطبان زیادی نیز دارد که اثربخشی آن را دو چندان کرده است. با توجه به محدودیت‌هایی که در کشور برای سایر رسانه‌های جمعی اعمال می‌شود، تأثیرگذاری صداوسیما بر اوضاع و احوال کشور نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ از این رو سیاست‌گذاری‌ها در صدا و سیما موجب بروز تحولاتی در جامعه می‌شوند

که به مانند یک چاقوی دو لبه است و می‌تواند ابعاد و آثار مثبت و منفی متعددی داشته باشد. لذا برای پیشرفت کشور، رسانه‌ی ملی نقش تعیین کننده‌ای دارد و این مهم، مستلزم اتخاذ تصمیمات درست و برنامه‌ریزی‌های مناسب است و همان‌طور که سابقاً ذکر شد، توجه به نحوه ارتباط با مخاطب و برقراری رابطه دوسویه و به دست گرفتن اعتماد عمومی، مهمترین وظیفه یک رسانه است.

در ادامه و شماره‌های آتی، به بررسی چالش‌های جدی و مهم به وجود آمده و پیش روی رسانه با رویکرد و نگاه به رسانه‌های داخلی علی‌الخصوص صدا و سیما خواهیم پرداخت.